

حادثه‌ها

سیل در «کشمیر» جان ۲۱۰نفر را گرفت

● بارندگی‌های شدید و جاری‌شدن سیل در هند و پاکستان ۲۱۰ قربانی گرفت. سیل در کشمیر تحت اداره هند که گفته می‌شود طی شش‌دهه گذشته کم‌سابقه است جان بیش از صدنفر را گرفت. سیل در سراسر دره کشمیر خسارات سنگینی را جمله تخریب خانه‌ها،پل‌ها و جاده‌ها بر جا گذاشته است. مقامات محلی گفتند فقط در منطقه جماو ۴۶نفر بر اثر رانش زمین جان خود را از دست داده‌اند. ارتش هند که در این منطقه درگیر مسایل مرزی و امنیتی است، برخی از نیروهای خود را برای کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده اعزام کرده است. نیروهای امدادونجات و ارتش هند تاکنون شش هزارنفر را از محاصره سیل نجات داده‌اند. در همین حال باران‌های موسمی شدید و جاری‌شدن سیلاب‌های ناگهانی در پاکستان ۱۱۰ کشته برجا گذاشت. با توجه به اینکه سازمان هواشناسی پاکستان پیش‌بینی کرده است در چندروز آینده بر میزان بارندگی افزوده خواهد شد، نیروهای ارتش برای تخلیه مردم از مناطق سیل‌زده به این مناطق اعزام شده‌اند. بنا بر اعلام سازمان ملی مدیریت فجایع پاکستان، از روز پنجشنبه در ایالت پنجاب در شرق این کشور دست کم ۱۶نفر جان خود را از دست داده‌اند. ۲۸نفر دیگر در منطقه کشمیر تحت کنترل پاکستان و ۱۱ نفر نیز در منطقه گیلکیت بالتیستان در شمال پاکستان کشته شدند.

مرگ ۵ کارگر معدن

● یورونیوم: پنج کارگری که بر اثر زمین‌لرزه در عمق ۵۰۰ متری معدنی در بوسنی محبوس شده بودند، جان باختند. امدادگران نتوانستند پس از ۱۸ساعت حدود ۳۰نفر از معدنچیان را نجات دهند. عده‌ای از نجات‌یافتگان به بیمارستان منتقل شدند ولی فقط اِین حادثه، مسدودشدن دهانه معدن بر اثر زمین‌لرزه‌ای به قدرت ۲/۵ ریشتر در شهر صنعتی «زینیتسا» گزارش شده است.

افزایش آزار کودکان

● شبنهو:سازمان حمایت از حقوق کودکان در جامبایکا، از افزایش موارد آزار و اذیت کودکان در این کشور خبر داد. این سازمان اعلام کرد آزار و اذیت کودکان در جامبایکا سال گذشته میلادی به بیش از ۱۱هزار مورد رسید که در مقایسه با سال پیش از آن ۲۶درصد افزایش داشته. این در حالی است که بنا به گفته یکی از مقامات این سازمان، بسیاری از موارد مربوط به آزارواذیت کودکان گزارش نشده است و آمار دقیقی در این زمینه در دست نیست.

شرق: مردی که به دلیل سوءظن به دوستش او را با ضربه چاقو به قتل رسانده بود، در حالی که در آستانه قصاص قرار داشت با رای دادگاه بر اساس قانون مجازات جدید از چوبه‌دار نجات پیدا کرد. به گزارش خبرنگار ما، این پرونده هشت‌سال قبل در استان یزد تشکیل شد. در آن زمان دو برادر با پلیس تماس گرفتند و اعلام کردند جوانی در خانه‌شان چاقو خورده است. وقتی پلیس به محل حادثه رسید، تکنیسین‌های اورژانس هم حضور داشتند. آنها اعلام کردند شدت خونریزی به حدی بوده که مرد جوان جانش را از دست داده است. بنابراین دو برادر که هومن و پرویز نام داشتند بازداشت شدند. هومن در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «مقتول که بایک نام داشت از دوستان ما بود. مدتی بود که من و برادرم به رابطه او و خواهرمان که نوجوان بود شک کرده بودیم اما چیزی به هیچ‌کدام نمی‌گفتم. تا اینکه من آنها را زیر نظر گرفتم و متوجه شدم شک ما درست است. روز حادثه به خانه مادرم رفتم و متوجه شدم کفش مردانه‌ای جلو در انباری خانه

است از آنجایی که به‌جز من و برادرم کسی به خانه رفت‌وآمد نمی‌کرد با برادرم تماس گرفتم و درباره کفش‌ها پرسیدم. برادرم گفت کفش متعلق به او نیست. به برادرم گفتم بیا و مادر و خواهرمان را با خود ببر چون فکر می‌کنم کسی در خانه است. برادرم کاری را که خواسته بودم انجام داد. بعد در انباری را باز کردم و متوجه شدم بایک پشت یکی از وسایل انباری مخفی شده است با او درگیر شدم و کتکش زدم. او هم به من حمله کرد. چاقویی را که در انباری روی زمین افتاده بود برداشتم و چند ضربه به پای بایک زدم قصد این نبود دوستم را بکشم و فقط خواستم او را تنبیه کنم. وقتی دیدم خونریزی شدیدی کرد ترسیدم و به برادرم خبر دادم و بعد هم هر دو به پلیس تلفن زدیم.» پرونده پس از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان یزد فرستاده شد و عبدالصمد خرمشاهی، وکیل‌مدافع متهم با این استدلال که هومن مقتول را مهدولدم می‌دانست از دادگاه درخواست کرد موکلش تبرئه شود. این در حالی بود

گفت‌وگو با ۲ جوان متهم به زورگیری

می‌خواستیم دزدی را امتحان کنیم

شرق: جاوید و وحید دو دوست ۲۰ و ۲۱ساله هستند که چندی قبل توسط کارآگاهان پلیس آگاهی تهران به اتهام زورگیری بازداشت شدند. این دو نفر، شاکیان زیادی دارند البته خودشان اظهارات مالباختگان را قبول ندارند. دو متهم در گفت‌وگو با «شرق» درباره جرایم‌شان توضیح داده‌اند:

● **وحید که آرآی‌نگاه دارد می‌گوید از جرایمش پشیمان است. چند همدست داشتی؟**
من و جاوید دونفری سرقت کردیم.
● **سابقه‌دار هستی؟**
من و جاوید هر دو بی‌سابقه هستیم. این بار هم اشتباه کردیم.
● **چه شد که تصمیم به سرقت و زورگیری گرفتی؟**
به خدا من این کاره نیستم. آرآی‌نگر هستم.
● **پس چرا زورگیری می‌کردی؟**
اشتباه کردم، گول خوردم.
● **فرب چه کسی را خوردی و چه شد که تصمیم به زورگیری گرفتی؟**
بیجه محل‌هایم دزد هستند؛ آنها به مغازه من می‌آمدند و پول می‌شمارند. دیدم هر روز با کلی پول می‌آیند گفتم

فرم درخواست اشتراک شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هز ینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.
۱- تماس با شماره تلفن‌های ۳۲- ۸۸۸۱۴۲۳۰ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.
۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزای شیرازی - نبش کوچه نهم- پلاک ۴۹- طبقه فوقانی بانک سپه
۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۸۴۱۲۷۹

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۰ صبح می‌باشد.
۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.
۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.
۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.
۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود.
توجه: لطفاً کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۷۵۰/۰۰۰	۱/۴۵۰/۰۰۰	۲/۱۵۰/۰۰۰	۲/۸۵۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ریال وجه نقد □ فیش □ چک □ بشرح زیر جهت اشتراک نسخه روزنامه شرق به مدت ماه از مشترک شماره به نام دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ
نام و نام خانوادگی دریاقت کننده:	امضاء دریاقت کننده:					

توجه: لطفاً نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ۳ ماهه □ ۶ ماهه □ ۹ ماهه □ ۱۲ ماهه □	کد اشتراک	تعداد نسخ اشتراک	مشخصات متقاضی
نام:	نام خانوادگی:	نام موسسه:	امضای متقاضی:
آدرس دقیق:			
کدپستی:	تلفن:	نمابر:	

حوادث

نجات از چوبه‌دار بعد از ۳بار محاکمه

متهم با ضربه چاقو باعث مرگ دوستش شده بود

که هومن نیز همین ادعا را مطرح کرد و گفت: «برادرم نقشی در قتل نداشت. بایک وارد خانه ما شده بود و من او را فردی فاسد می‌دانستم» به این ترتیب رای بر پرداخت دیه و زندان برای هومن و برات برادرش صادر شد اما اولیای‌دم به حکم صادره اعتراض کردند. دیوانعالی کشور نیز درخواست آنها را قبول کرد و یکبار دیگر پرونده به جریان افتاد. این‌بار متهم به قصاص و برادرش نیز به حبس محکوم شدند. این رای در دیوانعالی کشور مورد تأیید قرار گرفت و پرونده برای اجرا به شعبه اجرای احکام داسرای یزد فرستاده شد اما دادستان بر اساس ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی برای متهم درخواست رسیدگی مجدد کرد. وی در استدلالی که برای دادگاه آورد عنوان کرد بر اساس قانون جدید در صورتی که متهم آلتی کشنده داشته باشد اما نداند ضربه‌ای که وارد می‌کند باعث مرگ خواهد شد از مجازات قصاص تبرئه می‌شود در این پرونده نیز متهم ضربه را به پای مقتول وارد کرده و نمی‌دانسته این ضربه یکی از شریان‌های اصلی

بدن را قطع می‌کند و بر عمل خودآگاهی نداشته است. به این ترتیب با توجه به اینکه قانون به‌نفع متهم بود یکبار دیگر رسیدگی در این خصوص در شعبه دو دادگاه کیفری استان یزد انجام شد. اولیای‌دم باز هم درخواست قصاص کردند. سپس هومن یکبار دیگر در جایگاه حاضر شد و گفته‌های قبلی خود را تکرار کرد و گفت: «با اینکه از دست بایک ناراحت بودم و او به خواهر نوجوان من نظر داشت اما قصد کشتن او نبودم من فقط ضرباتی را به پای وی وارد کردم تا او را تنبیه کنم. نمی‌دانستم این کار باعث مرگ او می‌شود. اگر قصد کشتن او بود می‌توانستم ضربه را به قلبش بزنم. من از حساس‌بودن محلی که ضربه را وارد کردم، خبر نداشتم» دادگاه با توجه به استناد دادستان به ماده ۱۰ قانون مجازات جدید و دفاعیات خرمشاهی رای بر قتل شبه‌عمد و پرداخت دیه از سوی متهم صادر کرد. به این ترتیب هومن که در آستانه اجرای حکم قصاص قرار گرفته بود از مرگ نجات یافت.



دیپلم دارم.

● **در این مدت چه کار می‌کردی؟**

الان ۱۵ روز است بازداشت هستم، اما قبل از آن سرباز بودم. دیر به سربازی رفتم، بعد از دیپلم در باتری‌سازی کار می‌کردم. بعد از آن صب‌ه‌جای می‌رفتم محل خدمتم و از بعدازظهر تا ساعت ۹ شب در مغازه بودم. الان که اینجا هستم ا سربازی هم غیبت می‌خورم.

● **چطور شد که با وحید برزای زورگیری رفتی؟**

وحید همسایه ما بود. گفت مشترک‌تایش می‌آیند مغاز‌هاش و پول می‌شمارند، بیا ما هم کاری کنیم.

● **در این سرقت‌ها چقدر گیرتان آمد؟**

دو گوشی موبایل، یک انگشتر طلا و یک دستبند استیل.

● **با اموال مسروقه چه کردید؟**

گوشی‌ها را ۲۰ تا ۳۰هزار تومان فروختیم. انگشتر طلا در جیب من بود که گم شد و دستبند استیل هم به درد نمی‌خورد.

● **برای چه کاری پول لازم داشتی که مجبور به سرقت شدی؟**

برای پروتئین بدن‌سازی پول می‌خواستم.

● **حالا درباره کارهایی که انجام داده‌ای چه فکر می‌کنی؟**

اشتباه کردم. ما اصلاً اندازه این کارها نبودیم. شما ماشین را ببین. ماشینی که ارتفاع زده به درد این کارها نمی‌خورد. بخواهی تند بروی کف آن گیر می‌کند. به خدا صبح می‌رفتم یادگان شب برمی‌گشتم خانه اشتباه کردم.

بازگشت به زندگی از پای چوبه دار

شرق، مصطفی فتحي‌زاده: مرد محکوم به قصاص که ۱۲سال در نوبت اجرای حکم بود، موفق شد لحظاتی قبل از اعدام از اولیای‌دم یک‌ماه فرصت بگیرد تا خواسته‌های آنها را برای بخشش اجرا کند. به این محکوم که قاسم نام دارد وقتی برای اجرای حکم به زندان شوشتر منتقل شد، با تلاش رییس زندان و مسوولاتی که برای اجرای حکم به محل رفته بودند موفق شد اولیای‌دم را به گذشت راضی کند. پرونده قاسم ۱۲ سال قبل در اهواز به جریان افتاد. ماموران پلیس، آن زمان در جریان نزاع خیابانی قرار گرفتند و وقتی به محل رفتند، متوجه شدند دو گروه از مردان منطقه‌ای در اهواز که به‌دلیل اختلاف قبلی با هم درگیری داشتند، در یکی از خیابان‌های اصلی شهر دعوا کرده‌اند و یکنفر در این نزاع کشته شده است. پس از انتقال جسد به پزشکی‌قانونی و آغاز تحقیقات، مشخص شد گروهی از افرادی که درگیر شده بودند، چوب و گروه دیگر سلاح ساچمه‌ای داشتند. ماموران برای پیداکردن قاتل، چندمردی را که نسبت به آنها ظن داشتند، بازداشت کردند. این درحالی بود که پزشکی‌قانونی اعلام کرد مقتول جان خود را به‌دلیل اصابت گلوله ساچمه‌ای از دست داده و با توجه به ساچمه‌هایی که از بدن مقتول به دست آمده بود، کارشناسان اسلحه‌شناسی موظف به‌بررسی این گلوله‌ها شدند، آنها باید تعیین می‌کردند این ساچمه‌ها از چه

کاهش آمار نزاع در ۴ماه اول امسال

با ۱۸هزارو۲۹۵ و اصفهان با ۱۶هزارو۴۱۸مورد بیشترین و استان‌های خراسان‌جنوبی با یک‌هزارو۲۱۲، ایلام با یک‌هزارو۴۹۶ و بوشهر با یک‌هزارو۸۱۳ کمترین آمار مراجعان نزاع را در این مدت داشتند. در سال‌جاری آمار مراجعان نزاع در تیرماه بیش از دیگر ماه‌های سال بود. در این ماه ۶۳هزارو۸۷نفر به‌دلیل صدمات ناشی از نزاع به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کردند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲۲۶هزارو۹۸نفر بود. در این مدت استان‌های تهران با ۳۹هزارو۶۲۲، خراسان‌رضوی

رخداد

درمان اجباری یا مجاز است؟

حافظ باخغلی*

● ارتباط اختلال روانی با جرم، یکی از موضوعات بحث‌برانگیز است حال آنکه آمار جرم در بیماران روانی درصورت پی‌گیری درمان، بیشتر از سایر مردم نیست. درواقع آنها بیشتر قربانی جرم هستند تا اینکه مرتکب آن شوند؛ اما فرضی که درمان نشوند، داستان متفاوت است. افرادی که به بیماری‌های شدید روانپزشکی مبتلا باشند، درصورت عدم‌درمان بیشتر احتمال دارد که رفتارهای خشونت‌آمیز و مجرمانه نشان دهند. یکی از این نمونه‌ها، جوانی آمریکایی به‌نام «ویل بروس» است. او که اسکیزوفرنی‌ای نوع پارانوئید داشت دچار این عقیده‌ذهانی شده بود که مادرش عضو القاعده است و به همین دلیل او را به قتل رساند. این اتفاق موجب شد «تیم مورفی»، روانشناس و نماینده جمهوریخواه پنسیلوانیا در کنگره آمریکا مساله درمان اجباری بیماران روانی را جدی بگیرد و از آن به‌عنوان یک «اورژانس پزشکی» یاد کند. این نماینده طرحی را با عنوان «کمک به خانواده‌ها برای بحران سلامت روانی» ارائه داده، او در این طرح مطرح کرده است که برای به‌پسود روند درمان بیماران روانی باید از دو منبع کمک بگیریم: اول خانواده و دوم دادگاه. قوانین مربوط به رازداری و افشاشدن بیماری به اطرافیان، در آمریکا خیلی سفت و سخت است. به‌طوریکه بیمار برای افشاشدن بیماری‌اش می‌تواند از پزشک شکایت کند. این قانون کودکان کمتر از ۱۸سال را شامل نمی‌شود ولی از روزی که ۱۸سالگی شروع شود، پزشک بدون رضایت بیمار حق ندارد با خانواده او درباره تشخیص و روند درمان صحبت کند. این قانون فقط برای مواردی که احتمال جدی خطر برای خود بیمار یا دیگران وجود داشته باشد استثنا قایل شده است. این درحالی است که بیشتر موارد جنون در ۱۴ تا ۲۵سالگی اتفاق می‌افتد. در کشورهای مانند کشور ما که قوانین مربوط به رازداری آن چنان سفت‌وسخت نیست، روانپزشکان بدون اینکه ترسی از شکایت داشته باشند به‌راحتی با افراد خانواده درجه اول بیمار در مورد بیماری او صحبت می‌کنند، بسیاری از موارد حقوق بیماران را ضایع می‌کند، اما به‌نظر می‌رسد اختصاصاً در مورد بیماری‌های شدید روانپزشکی افشای راز بیمار هم به‌نفع بیمار و هم به‌نفع جامعه است. ارائه این طرح در کنگره آمریکا حکایت از آن دارد که آنها به این نتیجه رسیده‌اند که سخت‌گیری در رازداری پس از شروع ۱۸سالگی همیشه سودمند نیست و در مورد بیماری‌های شدید روانپزشکی باید درمورد آن تجدیدنظر شود؛ اما دانستن بحث‌برانگیز و جنجال‌آفرین، منع حمایتی دیگری است که در این طرح به آن اشاره شده و آن دادگاه است. یکی از واقعیت‌های تلخ اختلال‌های شدید روانپزشکی این است که بیشتر آنها نسبت به بیمارانشان آگاهی و بصیرت ندارند و خودشان را بیمار نمی‌دانند؛ نتیجه آن می‌شود که درصدد درمان برنمی‌آیند. همان‌طور که اشاره شد درصورتی که بیماری‌های شدید روانپزشکی درمان نشوند، آمار جرم و جنایت در جامعه بیشتر می‌شود. این نماینده کنگره اعتقاد دارد بیماران روانی درمان‌نشده یکی از معضلات اجتماعی هستند که برای حل آن لازم است دادگاه از طریق بستری یا درمان سرپایی اجباری، وارد عمل شود. تیم مورفی می‌گوید: ۲۰۰ تا ۳۰۰هزارصد زندانیان آمریکا بیماری روانی دارند. به نظر می‌رسد ما بیمارستان‌ها را بسته و زندان‌ها را باز کرده‌ایم؛ با اینکه بیشتر جمهوریخواهان و تعداد کمی از موکرات‌ها از این طرح حمایت کرده‌اند، اما طرح با مخالفت‌ها و جنجال‌های زیادی همراه شده است. دلیل بیشتر مخالفت‌ها این است که درمان اجباری، انگ ناشی از بیماری‌های روانی را در جامعه بیشتر می‌کند و در نهایت مشکلی را حل نمی‌کند. بسیاری از مخالفان، این طرح را مغایر با احترام به حقوق بیماران روانی و به‌رسمیت‌نشدناختن اراده آزاد و کرامت انسانی آنها می‌دانند. واقعیت این است که در همه جوامع بیماران روانی تا زمانی که آسیبی به خودشان یا دیگران وارد نکرده‌اند «حق» دارند از درمان امتناع کنند. درصورتی که احتمال خطر جدی مطرح شود، بسته به قوانین جوامع مختلف به دستور روانپزشک، قاضی یا پلیس برای امدت محدود و معینی» می‌توان بیمار را وادار به بستری و درمان اجباری کرد. داستان بستری و درمان اجباری در شرایط خاصی که احتمال خطر مطرح باشد، آن هم در مدت زمان معین، تازگی ندارد و همیشه مطرح بوده است اما تیم مورفی با پیشنهاد این طرح را افرا تا گشائنه و صرف تشخیص بیماری روانپزشکی را دلیلی بر درمان اجباری (البته به‌صورت سرپایی و نه لزوماً بستری) می‌داند. این شیوه نگاه به بیماران روانی، کاملاً غیرانسانی و مغایر با حقوق شهروندی است. صرف اینکه ممکن است احتمال ارتکاب جرم در بیماران روانی درمان‌نشده، بالاتر باشد به هیچ‌روی دلیل آن نمی‌شود که حقوق شهروندی آنها و آزادی اراده‌شان نادیده گرفته و پایمال شود. از طرف دیگر تصویب چنین طرحی می‌تواند به «اثر شب لغزنده» منجر شود. گاهی تصویب یک قانون می‌تواند ما را در وضعیتی شبیه یک «شب لغزنده» قرار دهد، یعنی این قانون در ابتدا به ما اجازه مداخله‌های کوچک و تعیین‌شده‌ای را می‌دهد، اما به‌دلیل ماهیت لغزنده‌بودن آن کنترلش دشوار و نتیجه آن می‌شود که هر کسی که یک‌تشخیص روانپزشکی سناده‌مانند اضطراب یا افسردگی داشته باشد، ممکن است ملزم به درمان اجباری شود و آزادی اراده انسان‌ها روزبه‌روز محدودتر شود. باید به یاد داشته باشیم که کاهش تدریجی انگ اختلالات روانی به‌سادگی و یک‌کشه به‌دست نیامده است.

● **روانپزشک و استاد دانشگاه ماهیدول تایلند**